



شماره ۶۸۴، دوره هشتم
سال بیستم، ۲۵ فرورین ماه ۱۳۸۳

رژیم ولایت فقیه قادر به تأمین منافع ملی ایران نیست

بحثی کوتاه پیرامون نشست وزرای خارجه کشورهای کناره دریای خزر

برای کشورهای ساحلی برای تبادل نظر در خصوص آینده این دریا است. همچنین روند مذاکرات برای تدوین کنوانسیون رژیم حقوقی، ادامه خواهد یافت.

نشست وزرای خارجه کشورهای کناره خزر در شرایطی برگزار شد که مجموعه‌ی از رخدادهای جهانی و منطقه‌ی، تأثیری مستقیم بر

چهارمین نشست وزرای خارجه پنج کشور کناره دریای خزر، ایران، روسیه، ترکمنستان، جمهوری آذربایجان و قزاقستان در تاریخ هجدهم فروردین ماه سال جاری خورشیدی در مسکو برگزار شد. دستور کار این نشست، رایزنی کشورهای کناره دریای خزر در سطح وزیران امور خارجه و نیز تبادل نظر در مورد مسائل جهانی و منطقه‌ی عنوان شده بود. آصفی، سخنگوی وزارت خارجه رژیم، در این باره خاطر نشان کرده بود که: «این اجلاس فرصت خوبی

ادامه در صفحه ۲

بازجو، شکنجه‌گر و متهم به قتل

دگراندیشان

«مدیر نمونه»

رژیم ولایت فقیه

بر اساس گزارش پایگاه اینترنتی «امروز» سعید مرتضوی، شکنجه‌گر، بازجوی دگراندیشان، و از متهمان اصلی قتل زهرا کاظمی، روزنامه‌نگار، به عنوان «مدیر نمونه» قوه قضائیه معرفی شد. در خبری که «امروز» در این باره منتشر کرده است، ضمن تذکر این نکته که این عمل قوه قضائیه در ۲۴ ساعت پس انتشار بیانه شدید الحن وزارت امور خارجه

ادامه در صفحه ۳

پیام کمیته مرکزی حزب توده ایران

به مناسبت هفتادمین سالگرد بنیان

گذاری حزب کمونیست عراق

در ص ۶

زمین لرزه سیاسی در فرانسه

«چپ» کنترل ۹۰ درصد کشور را

در ص ۸

بدست می‌گیرد!

تحولات عراق و مصالح ملی ایران

نیروهای بنیادگرای اسلامی، که نقش چندانی برای خود در آینده سیاسی عراق نمی‌بینند، منافعشان را در راستای ممانعت از تشکیل دولت موقت دوره گذار می‌بینند. باید توجه کرد که این نیروها به صراحت مخالفت خود را با مسائلی از قبیل به رسمیت شناختن حق خود مختاری برای اقلیت‌های ملی، حقوق زنان و جدایی مذهب از حکومت را که مورد توجه نیروهای سیاسی عمده عراق، که درگیر روند پایان دادن به اشغال کشور هستند، اعلام کرده‌اند.

مورد میزان دخالت سران رژیم «ولایت فقیه» در تحولات اخیر عراق و همچنین موضع گیری‌های شدیداً تحریک آمیز و غیر مسئولانه برخی شخصیت‌های کلیدی رژیم و همچنین رسانه‌های مجاز وابسته به جناح حاکم در رابطه با این تحولات است. روزنامه‌های «جمهوری اسلامی» و «کیهان» به تصویر «افق روشن و آینده‌ی درخشان» پرداخته‌اند که گویا با اقدامات روحانی تندرو و جنجال آفرین، مقتدی الصدر، در انتظار مردم عراق است. هاشمی رفسنجانی، رئیس شورای مصلحت رژیم، در مقام امامت موقت نماز جمعه تهران، از «آسیب پذیر شدن» آمریکا در عراق سخن گفت که گویا «به مفهوم قدرتمندتر شدن جمهوری اسلامی ایران می‌باشد». رفسنجانی در اظهارات خود با افشاء این واقعیت که منافع مردم عراق هیچگونه

اوج گیری درگیری‌های خشونت آمیز در چندین شهر عراق در روزهای اخیر و گزارش‌های ضد و نقیض درباره تحریک کنندگان اصلی چنین اقداماتی و اهداف واقعی آنان مورد توجه بسیاری از رسانه‌های خبری جهان بوده است. دامنه درگیری‌ها، تعداد وسیع شهروندان بیگناه عراقی که در جریان این درگیری‌ها کشته و زخمی شده‌اند و روش‌های تحریک آمیز و غیر مسئولانه فرماندهان نظامی آمریکایی در کنار این واقعیت که قرار بود در ظرف ۱۰ هفته آینده نیروهای اشغالگر، قدرت را به دولت موقتی مرکب از نمایندگان نیروهای سیاسی عراقی تحویل دهند، نمی‌تواند نگرانی نیروهای مردمی منطقه و به ویژه در میهن مان را بر نیانگیزد.

آنچه که به ویژه نگرانی تحلیل‌گران سیاسی ایران و نیروهای مترقی و دموکرات کشور را موجب شده است اخبار و شایعات در

ادامه در صفحه ۴ و ۵

با هم به سوی تشکیل جبهه واحد ضد دیکتاتوری

برای آزادی، صلح، استقلال، عدالت اجتماعی و طرد رژیم «ولایت فقیه»!

ادامه رژیم ولایت فقیه قادر به تأمین ...

توافقات، ملاک حل و فصل مسائل است. به دلیل سیاست موجود و دیپلماسی غیر واقع بینانه، عملاً موقعیت انحصاری ژئوپلیتیک ایران به فرصتی برای دیگر بازیگران تبدیل شده و ما نتوانسته ایم از توانایی های خود به درستی استفاده کنیم.»

با توجه به این حقیقت اکنون جمهوری اسلامی با عملکرد ضدملی خود موجبات تضعیف موقعیت ایران در منطقه استراتژیک خزر را پدید آورده است. در حال حاضر یک رشته از اختلافات جدی و ریشه یی، مانع از توافق بر سر تعیین رژیم حقوقی خزر گردیده است. در جریان اجلاس مسکو نماینده رسمی ولادیمیر پوتین در جمع خبرنگاران اعلام داشت: کشورهای کناره خزر نه تنها در باره استفاده از بستر، بلکه به نحوه ی استفاده از سطح دریا، حفظ محیط زیست و منابع زنده، تعیین مرزها و مسائل امنیتی و هم چنین تردد ناوگان جنگی، اختلاف اساسی دارند. بعلاوه هنگام مذاکرات وزرای خارجه پنج کشور، خبر رزمایش هوایی- دریایی دولت باکو در دریای خزر انتشار یافت. این رزمایش در زمانی انجام پذیرفت که بحث غیرنظامی کردن خزر از موضوعات مهم مورد اختلاف قلمداد می گردد. از دیگر موارد بسیار مهم که مانع از امضاء توافق همه جانبه است می توان به اختلافات مرزی قزاقستان و جمهوری آذربایجان، ترکمنستان با جمهوری آذربایجان، روسیه و دولت باکو، ایران و روسیه و ایران و جمهوری آذربایجان اشاره کرد که هر یک جدی و اصولی هستند. روزنامه های مسکو در تحلیل های خود از این اختلافات از جمله نوشتند: توافق کشورهای حاشیه دریای خزر بر سر تعیین رژیم حقوقی دریا بعید است. مواضع ایران و ترکمنستان به یکدیگر نزدیک می باشند اما اطمینانی به ادامه این نزدیکی نیست.

برای میهن ما، به عنوان یکی از مهمترین کشورهای کناره دریای خزر که در آن حقوقی انکارناپذیر و تاریخی دارد، علاوه بر موضوعاتی مانند استفاده از سطح دریا، محیط زیست، شیلات و تردد ناوگان جنگی، موضوع بستر دریا و چگونگی استفاده از آن مهمترین و اصلی ترین مسأله می باشد.

منافع ملی ایران و موقعیت کشور ما در آینده این منطقه حکم می کند به هیچ وجه و تحت هیچ شرایطی در بحث دریای خزر کوتاه نیامده و منافع خود را قربانی معاملات موقتی نسازیم. اکنون زمزمه هایی از جانب مجمع تشخیص مصلحت و باندهای وابسته به رفسنجانی در وزارت خارجه به گوش می رسد مبنی بر اینکه ایران باید مواضع خود را با هدف «حفظ نظام» در دریای خزر در مذاکره با دیگر کشورها تعدیل کند. این تعدیل مواضع معنایی جز صرف نظر کردن از حقوق حقه و تاریخی مردم ایران ندارد. شکل گیری مناسبات سیاسی-اقتصادی و امنیتی در حوزه دریای خزر بطور مستقیم با سرنوشت ایران پیوند دارد. از این رو باید با مهارت و پافشاری اصولی بر مواضع برحق و تنظیم یک سیاست خارجی واقع بینانه و منطبق بر منافع و مصالح کشور ضمن احترام به حقوق همسایگان در دریای خزر، در جهت تأمین منافع ایران حرکت کرد. بدین سبب، باید قاطعانه تأکید نمود، رژیم ولایت فقیه قادر نیست منافع ملی ایران را در منطقه حساس و پُراهمیت حوزه دریای خزر در دوران دشوار و توفان زای کنونی، تأمین کند.

آن افکنده بود. به همین جهت همه کشورها به ویژه روسیه، تمام تلاش خود را برای به کرسی نشاندن اهداف خود و نظراتشان، بکار گرفتند. موضع گیری مقامات بلندپایه روسیه، نشانگر این واقعیت است که دریای خزر و چگونگی شکل گیری مناسبات سیاسی- اقتصادی و امنیتی در آن، از اهمیتی فوق العاده در راهبرد امنیتی این کشور برخوردار است. روسیه مسائل دریای خزر را در پیوند با گسترش ناتو به شرق و مرزهای غربی خود، مورد توجه قرار می دهد. لاینحل ماندن تعیین رژیم حقوقی برای این دریاچه و تداوم اختلافات میان پنج کشور ساحلی، برای روسیه که با گسترش ناتو روبه رو شده، به هیچ عنوان خوشایند و مطلوب نیست. امسال همزمان با اجلاس مسکو، کشورهای حوزه دریای بالتیک رسماً به عضویت پیمان ناتو در آمدند و این به معنای رویارویی مستقیم با روسیه می باشد. در این خصوص سرگئی ایوانف، از مقامات بلندپایه شورای امنیت ملی روسیه، در سخنانی ضمن هشدار به ایالات متحده و اتحادیه اروپا، از جمله تأکید کرد: «با توسعه ناتو به مرزهای ما، مسئولیت آینده اروپا اکنون با ناتو ارتباط یافته است. روسیه در قبال گسترش ساختار نظامی در خاک کشورهای بالتیک، واکنش نشان خواهد داد و این مطابق با اصول شناخته شده دفاعی خواهد بود...»

در چنین اوضاعی برپایی نشست مسکو، پیرامون مسائل دریای خزر، نمی توانست از این حوادث تأثیر نگیرد و در موضعگیری کشورها بازتاب نیابد. داووروف، وزیر خارجه جدید روسیه و از افراد مورد اعتماد پوتین، با انگشت گذاشتن بر مسأله ناامنی در منطقه و رشد پدیده تروریسم در خاورمیانه که همجوار دریای خزر قلمداد می شود، با هرگونه نظامی گری خارجی و دخالت نیروهای فرامنطقه یی، مخالفت کرد و این مخالفت شگفت آور نبوده و نمی توانست باشد. در این میان مواضع رسمی رژیم ولایت فقیه، همچون دیگر عرصه های سیاست خارجی، بسیار مبهم، ضعیف و غیر واقع بینانه است. اختلافات جناحی بر سر ترکیب هیأت نمایندگی ایران در نشست مسکو، به روشنی نشان می دهد رژیم ولایت فقیه، بنا به سرشت واپس مانده خود، توانایی و کارایی لازم را برای تأمین منافع ملی ایران در منطقه پُراهمیت دریای خزر، ندارد. تا پیش از حرکت هیأت نمایندگی ایران به مسکو، کمیسیون امنیت ملی مجلس از جریان مذاکرات پیرامون دریای خزر، بی اطلاع بود و فقط در آخرین ساعات یکی از اعضای این کمیسیون در ترکیب هیأت قرار گرفت. الهه کولایی، عضو کمیسیون امنیت ملی مجلس ششم، در انتقاد از مواضع جمهوری اسلامی در گفتگویی با خبرگزاری ایسنا خاطر نشان ساخت: حوزه دریای خزر عرصه چانه زنی برای به دست آوردن سهم بالاتری از منافع در این منطقه پُراهمیت جهان است. ایران به دلیل سیاست غیر واقع بینانه در تنظیم روابط خارجی خود، فرصت هایی مناسب را برای تأمین منافع کشور در این حوزه از دست داده است. وی سپس افزود: ایران همچنان باید مواضع قانونی و برحق خود را با توجه به رژیم حقوقی دوران اتحاد شوروی و توافق ها و اعلامیه های پس از فروپاشی مورد تأکید قرار دهد...

ادامه بازجو، شکنجه گر و متهم به قتل ...

آمریکا، در زمینه نقض حقوق بشر در ایران، با اشاره به قتل زهرا کاظمی، صورت گرفته است از جمله آمده است: «عباسعلی علیزاده، رئیس کل دادگستری تهران، دوشنبه ۲۴ فروردین ماه روز خود را با اقدامی تاریخی و به یاد ماندنی آغاز کرد. او که رهسپار جلسه شورای معاونان دادگستری کل استان تهران بود، لوحی را به همراه داشت که در آن از طرف «سید محمود هاشمی شاهرودی»، رئیس دستگاه قضایی، «سعید مرتضوی» دادستان عمومی و انقلاب تهران به عنوان «مدیر نمونه کشور در حوزه قضا» معرفی می شد.»

«امروز» در ادامه گزارش خود از این «عمل تاریخی» متن تقدیر نامه شاهرودی را درج کرده است و می نویسد در تقدیرنامه مرتضوی آمده بود: «جناب آقای سعید مرتضوی، دادستان عمومی و انقلاب تهران؛ در سال نهضت خدمت رسانی به مردم از زحمات و تلاش ارزنده جنابعالی در راستای تحقق اهداف نظام مقدس جمهوری اسلامی و توسعه و اعتدال دستگاه قضایی تشکر کرده و کسب عنوان مدیر نمونه کشور را در اولین جشنواره شهید بهشتی قوه قضاییه برانزده می دانم و از خداوند متعال موفقیت روزافزون شما را در تمام مراحل زندگی خواهانم. سید محمود هاشمی شاهرودی»

به گزارش «امروز» این انتخاب دستگاه قضایی عکس العمل های تندی را در محافل سیاسی کشور به همراه داشت. از جمله یکی از نمایندگان اصلاح طلب مجلس با تماس با خبرنگار «رویداد» به او گفت که تیتراژ بنید: «انا لله و انا الیه راجعون» در ادامه همین گزارش همچنین ذکر شده است که محسن آرمین، نماینده مستعفی تهران و عضو شورای مرکزی سازمان مجاهدین انقلاب نیز با لحنی کنایه آمیز، این اتفاق را به مجموعه حاکمیت ایران تبریک گفت. آرمین در گفت و گو با «رویداد» تنها به بیان این جمله اکتفا کرد که: «با توجه به مدیریت حاکم بر قوه قضاییه، قطعاً باید آقای مرتضوی به عنوان مدیر نمونه برگزیده شود.»

در واکنش دیگری به این خبر حسین انصاری راد، رئیس کمیسیون اصل ۹۰ و «سید ناصر قوامی» رئیس کمیسیون قضایی مجلس که در چهار سال گذشته با اقدامات ضد حقوق بشری دستگاه قضایی درگیر بوده اند، از مستندات این انتخاب پرسیدند. انصاری راد از جمله گفت: «از مجموعه روابطی که با دادستان تهران داشته ایم و مجموعه گزارش هایی که در کمیسیون اصل نود وجود دارد و به خصوص گزارش هایی که دادگاه انتظامی قضا در باره ایشان دارند و در اختیار کمیسیون اصل نود قرار گرفته است، با انتخاب ایشان به عنوان مدیر نمونه قضایی هماهنگ نیست. قوامی نیز گفت: «باید از قوه قضاییه سؤال کنیم که ملاک نمونه بودن یک مدیر چیست؟ اگر ریاست محترم قوه قضاییه ملاک ها را ذکر کنند، ما هم به ارزیابی دقیق تری می رسیم.»

انتخاب سعید مرتضوی به عنوان «مدیر نمونه» قوه قضاییه در عین حالی که نشانگر عمق جنایت پیشگی قوه قضاییه رژیم ولایت فقیه است، در عین حال حامل پیام سیاسی نیز می باشد که توجه به آن ضرور به نظر می رسد. پیام سیاسی این حرکت تحریک آمیز

اعلام حمایت بی چون و چرای رهبری رژیم ولایت فقیه از اعمال ضد انسانی و سرکوب گرانه مرتضوی بر ضد دگراندیشان، خصوصاً دانشجویان در بند و دیگر عناصر اصلاح طلب است که رژیم بی شک قصد تسویه حساب با آنها را دارد. تشویق مرتضوی به ادامه سیاست های جنایتکارانه دادستانی تهران در پیگرد، آزار و شکنجه دگراندیشان، در عین حال تهدیدی است آشکارا بر ضد نیروهای اصلاح طلب، خصوصاً بخش هایی از نمایندگان مجلس که در جریان انتخابات فرمایشی رژیم با اعتراض به اقدامات غیر قانونی، ولی فقیه و شورای نگهبان مزاحمت هایی را برای سران رژیم ایجاد کردند. تشویق کسانی همچون سعید مرتضوی، پدیده شگفتی آوری، در جمهوری اسلامی، نیست. در رژیمی که ادامه حیات و ارکانش بر سرکوب خشن و خونین آزادی ها و حقوق دموکراتیک مردم استوار است اگر جنایتکاران تشویق و تحسین نگردند باید تعجب کرد. مردم ما تجربیات روشنی در این زمینه دارند. بزرگداشت خاطره جنایتکاری همچون لاجوردی، شکنجه گر و سازمان دهنده جنایات دهشتناک بر ضد زندانیان سیاسی زندان اوین، توسط سران ریز و درشت رژیم، و همچنین حمایت و تشویق ولی فقیه، که دستگاه های سرکوب زیر نظر مستقیم او اداره می شوند، از کسانی همچون سعید اسلامی (امامی) سازمان دهنده قتل های زنجیره بی دگراندیشان نشانگر اعتقاد عمیق و سابقه طولانی سران رژیم در حمایت و ارج گذاری از جنایت و جنایتکاران است.

به اقدامات ضد انسانی رژیم ولایت فقیه برای از بین بردن خاطره شهدای دگراندیش دوران رژیم پهلوی اعتراض کنیم!

امسال قبل از عید، وقتی خانواده های شهدای مدفون در قطعه ۳۳ بهشت زهرا (شهدای سالهای ۵۳ و ۵۴ و ۵۵ - شهدای گروه آرمان خلق - شهدای گروه بیژن جزنی، گل سرخی و (خیلی از عزیزان دیگر) برای دیدار از قبر عزیزانشان به محل رفتند، با پلاکاردی در کنار قطعه روبرو شدند که به همه بستگان درجه یک اطلاع می داد از آنجا که سازمان بهشت زهرا در صدد دوطبقه کردن قبور است، برای خرید محل به دفتر گورستان مراجعه کنند. در صورت عدم مراجعه و اقدام برای خرید محل، همه قبور فروخته خواهند شد. بعضی از خانواده ها به دفتر مراجعه کردند. در آنجا بعد از گرفتن مشخصات و شماره تلفن به آنها گفته شد که بعداً با آنها تماس گرفته خواهد شد. هنوز با کسی تماسی گرفته نشده است.

رژیم ولایت فقیه بارها و بارها از طرق مختلف چه از طریق تحریف تاریخ، حمله به مراسم بزرگداشت و تخریب سنگ قبر آنها و این بار با این عمل شنیع سعی دراز بین بردن خاطره جانفشانیها و قهرمانیهای شهدای دگراندیش کرده است. با افشای این حرکت ضد بشری رژیم ولایت فقیه به هر شکل ممکن مانع انجام آن شویم.

آزادی برای همه زندانیان سیاسی ایران!

ادامه تحولات عراق و مصالح ملی...

محلی از اعراب در محاسبات او و همپالگی هایش در حکومت فقها ندارد، صراحتاً گفت که اگر آمریکا حاضر به توافق با آن‌ها باشد، «ایران همان گونه که در مسأله افغانستان همکاری‌هایی داشت در حل مسأله عراق نیز آماده همکاری است». رفسنجانی به این مسأله که چه نوع همکاری‌هایی با آمریکا، در مورد عراق مورد نظر اوست، نپرداخت اما مردم ایران و نیروهای ترقی خواه منطقه هنوز بیاد دارند که او چگونه در مقام مجری ایرانی معاملات ننگین و رسوای «ایران گیت» برای تحکیم قدرت خود و همپالگی هایش، منافع مردم کشور را که در گیر جنگی ناخواسته بودند، و همچنین انقلابیون ساندینیست، در نیکاراگوئه را دو دستی تحویل وابستگان سیا و پنتاگون داد.

نیروهای دموکرات و ترقی خواه ایران به درستی به خطرات ناشی از گسترش خشونت و عملکرد نیروهای آشوب طلب و مشکوکی که کمر به عقیم کردن کوشش نیروهای سیاسی مردمی عراق برای برون رفت از بحران ناشی از جنگ و اشغال کشورشان بسته اند، اشاره می کنند. آن‌ها نگران این هستند که محافل حاکم در واشنگتن با بهره برداری از چنین جوی و بر پایه مواضع ماجراجویانه سران رژیم «ولایت فقیه» شروع دور جدیدی از سیاست‌های مداخله جویانه در ایران را توجیه کنند که بازنده آن مردم میهن ما خواهد بود. جالب است توجه کنیم که حتی برخی مهره های کلیدی مجلس ششم و دولت آقای خاتمی با درک حساسیت اوضاع بر ضرورت اتخاذ سیاست‌های عاقلانه در این لحظات اشاره داشته اند. «رضا یوسفیان»، عضو کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس، در این رابطه با تأکید بر اینکه «هیچ گونه دلیلی وجود ندارد که ما همیشه از مخالفان وضعیت فعلی عراق حمایت کنیم»، در رابطه با سخنان غیر مسئولانه و تحریک آمیز «علی اکبر هاشمی رفسنجانی» در نماز جمعه تهران اظهار داشت: «برخی از مسؤولان غیررسمی کشور، بدون اطلاع کافی از اوضاع، از هر گونه آشفتگی در عراق استقبال می کنند... در حالی که می توانند با تأمل بیشتری ماهیت داخلی آشفتگی‌ها را بررسی و انگیزه اصلی هر اتفاق را شناسایی کنند.» وی افزود: «باید با بررسی های دقیق دریابیم که شکل گیری یک سری از ناآرامی‌ها سبب می شود که تحویل حاکمیت ملی به مردم عراق به تأخیر بیفتد و یا برعکس.» او با انتقاد از اظهارات هاشمی رفسنجانی در نماز جمعه تهران در روز ۲۱ فروردین گفت: «قضاوت‌های عجولانه از سوی برخی از مسؤولان کشور سبب میشود که اتهاماتی به ایران وارد شود.»

در شرایطی که به گزارش نشریه آمریکایی «نیشن» (ملت) در روز ۲۱ فروردین عناصر پر قدرتی در جناح «بازها» در دولت جورج بوش «درگیر تلاش پر مخاطره برای اعاده قدرت در حال افول خود... از طریق فشار برای درگیری با ایران هستند» نمی توان با نظر آقای یوسفیان موافقت نکرد.

در همین راستا عبدالله علوی، کارشناس روابط بین‌الملل، نیز در سخنانی که در مطبوعات کشور انعکاس یافت، خاطر نشان کرد: اتخاذ سیاستی که حمل بر دخالت ایران در امور عراق شود به نفع منافع ملی ما نیست. علوی با بیان اینکه ایران باید در چارچوب نظام بین الملل و سیاست تنش زدایی به عراق نگاه کند، گفت: باید در سیاست خارجی خود رفتاری غیراحساسی و سنجیده در پیش گیریم تا مسائل

ملی ما تحت الشعاع مسائل منطقه‌ای قرار نگیرد. علیرضا اکبری، کارشناس مسائل سیاسی - امنیتی، نیز در گفت و گو با خبرنگار سرویس دیپلماتیک اینلنا گفت: «منافع جمهوری اسلامی ایران در گرو تأمین ثبات و امنیت عراق است زیرا به هر میزان بی ثباتی و ناامنی در عراق ایجاد شود، به همان میزان امنیت ملی ایران دچار کاهش می شود.» وی افزود: «ایران باید به برقراری تعادل ملی در عراق کمک کند، عراقی که ضمن ثبات سیاسی و تعادل امنیتی دارای استقلال و تمامیت ارضی و حاکمیت ملی باشد این وضعیت مطلوب ایران در عراق است.»

محمد علی ابطیحی با مطالعه روند انتخابات آبان ماه ایالات متحده که موقعیت جورج بوش در آن متزلزل است، از زاویه دیگری به تحولات عراق نگریسته و مطرح می کند که «آمریکا بیش از هر زمانی، در آستانه انتخابات ریاست جمهوری نیاز دارد که اوضاع عراق متشنج باشد. زیرا بهترین دلیل برای بقاء آمریکا در عراق، همین تشنج هاست.» ابطیحی اشاره می کند که «بوش نیاز دارد به افکار عمومی آمریکا اعلام کند، پروژه نیمه کاره ای در عراق هست که جز او نمی تواند این پروژه را تکمیل کند که اگر تکمیل نشود، منطقه خاورمیانه به آتش کشیده می شود و بیش از همه آمریکا آسیب می بیند... رفتار مقتدی صدر در تشنج آفرینی در عراق و ایجاد وحدت شیعه و سنی در مقابل با آمریکا در این شرایط، همان چیزی است که آمریکا می خواهد... ایکاش تأثیر گذاران صحنه سیاسی عراق اعم از شیعه و سنی به این واقعیت توجه نمایند و زمینه را برای بقاء بیشتر اشغالگران فراهم نکنند و بگذارند مردم عراق هر چه زودتر خود بتوانند سرنوشت خود را تعیین نمایند.»

ما در حالی که توجه به عملکرد توطئه آمیز و پرنامه های خطرناک برخی از مهره های پر قدرت دولت بوش و جناح موسوم به «بازها» در محافل نولیبرال حاکم در واشنگتن را ضروری می دانیم، بر این باوریم که نباید از عملکرد ناسیونالیست های افراطی و طرفداران اعاده رژیم بعثی غافل ماند. نیم نگاهی به تحولات سال های پس از انقلاب در کشورمان نشان می دهد که چگونه خشونت های «حزب الهی ها»، ترورهای «گروه فرقان»، و عملکرد منفی و تشنج آفرین روحانیون جوان و تندرو و آشوب طلبی نظیر هادی غفاری قدم به قدم تحویل قدرت سیاسی به طرفداران «ولایت فقیه» را ممکن کرد. آیا نمی توان شباهت هایی بین روندی که منجر به سلب قدرت از «دولت موقت» و کسب قدرت بلامنازع از سوی رهبران «حوزه های علمیه» شد، را با آنچه از سوی «مقتدی الصدر» و هواداران تندروی او در عراق می گذرد، دید؟ در اینکه راهنمایان عناصری چون مقتدی الصدر چه کسانی هستند و الگوی او برای آینده عراق چیست، نباید راه دوری رفت. واقعیت این است که عوامل و وابستگان به جمهوری اسلامی آزادانه در جنوب عراق و مناطقی چون بصره عمل می کنند. حمله به تجمعات زنان، آتش کشیدن سینماها، بستن رستوران های غیر اسلامی، کتک زدن روشنفکران و اساتید دانشگاه به جرم اشاعه نظرات غیر اسلامی، که همگی در شرایط حضور نیروهای نظامی انگلیسی و با چشم بستن عامدانه آنان صورت می گیرد، بر پایه الگویی که بیش از دو دهه پیش از آن در ایران به منظور قبضه قدرت از سوی عناصر انحصار طلب به کار گرفته شد، آزمایش شده، انجام می گیرند. مقتدی الصدر و گروهی از تندرو های مذهبی در صدد گسترده شدن هر چه سریع تر چنین عمل کردی به سراسر عراق هستند، چرا که ادامه روند سیاسی و قانونمند شدن شکل گیری یک جامعه مدنی را به نفع خود نمی دانند. در این رابطه لازم است که اشاره شود که در انتخابات شوراهای شهری در ۱۷ شهر منطقه بین النهرین در هفته های قبل

اول روزنامه های پر تیراژ غرب هدف های مشخصی را دنبال می کند. آیا می توان اظهارات جورج بوش، رامسفلد و دیگر رهبران آمریکایی را به امکان تجدید نظر در رابطه با تاریخ تحویل قدرت به دولت موقت دوره گذار عراق را تصادفی تلقی کرد؟

واقعیت این است که نیروهای بنیادگرای اسلامی، که نقش چندانی برای خود در آینده سیاسی عراق نمی بینند، منافعشان را در راستای ممانعت از تشکیل دولت موقت دوره گذار می بینند. باید توجه کرد که این نیروها به صراحت مخالفت خود با مسائلی از قبیل به رسمیت شناختن حق اقلیت های ملی به خودمختاری، حقوق زنان و جدایی مذهب از حکومت را که مورد توجه نیروهای سیاسی عمده عراق، که درگیر روند پایان دادن به اشغال کشور هستند، اعلام کرده اند.

حزب توده ایران بر پایه چنین تحلیلی است که هرگونه کوششی تحریک آمیز از سوی ارتجاعیون حاکم در جهت تشدید درگیری های عراق در پوشش دفاع از نیروهای مسلمان و شیعه را نه فقط در تقابل با منافع ملی کشور بلکه به مخاطره انداختن آینده تحولات عراق و در خدمت محافل ارتجاعی منطقه و بین المللی می داند. ادامه و گسترش خونریزی و خشونت از سوی هر کسی که باشد، به نفع مردم عراق و آینده دموکراسی در این کشور و منطقه نیست.

ما متحد و همصدا با حزب کمونیست عراق همه نیروهای ملی و میهنی عراق را «فرا می خوانیم که صلح را حفظ کرده، با خویشتن داری عمل کرده، و با مسایل عاقلانه و محتاطانه برخورد نمایند.» ما با حمایت از شیوه های مذاکرات دموکراتیک به مثابه تنها راه حل مشکلات موجود و ایجاد توافق بین نظرگاه های متفاوت و متضاد، ضرورت اجتناب از افراط گری، تعصب و فشار برای تحمیل راه کارهای غیر عادلانه و دیکتاتورمآبانه را مورد تاکید قرار می دهیم. ما در پیوند نزدیک با نیروهای ترقی خواه عراق و به ویژه حزب برادر، حزب کمونیست عراق از هر کوششی برای خاتمه اشغال نظامی و پایه گیری یک حکومت دموکراتیک مردمی منعکس کننده طیف نیروهای سیاسی و منافع خلق های این کشور حمایت می کنیم.

ادامه چرا ناتو به سمت شرق ...

های نازل، می تواند مورد استفاده ناتو قرار بگیرد. نیروهای نظامی این کشورها از توانایی ها و تجارب بالایی برای فعالیت های نظامی برخوردار هستند که می تواند برای اهداف ناتو مورد استفاده قرار گیرد و در ضمن دارای پایگاه های نظامی نسبتاً مجهزی هستند. اما آنچه که بیشتر از این ها برای آمریکا، به عنوان رهبر تعیین کننده سازمان ناتو، اهمیت دارد، استقرار نیروهای نظامی خود در اقصی نقاط جهان است. این امر که اگر قرار باشد زیر اسم ایالات متحده انجام شود، متضمن هزینه های سیاسی خواهد بود، عملاً تحت نام ناتو صورت می گیرد، هرچند که تشکیل دهنده عمده و اصلی این نیروها ارتش آمریکاست. به این طریق ماجراجویی های نظامی ایالات متحده زیر پوشش یک نیروی بین المللی صورت می گیرد و لذا فشار افکار عمومی جهانیان بر ضد حضور نیروهای آمریکایی در دیگر کشورهای جهان را کاهش خواهد داد و اساساً بار این مسئولیت را به گردن دیگر کشورها می اندازد. پذیرش اعضای جدید در شرق اروپا توسط ناتو، در واقع یکی دیگر از ابتکار های مسموم امپریالیسم برای «جهانی سازی» و گسترش نظامی گری در جهان است. جهانی که در آن قدرت نظامی و زور و ارعاب به نمایندگی از سوی پر قدرت ترین محافل سرمایه داری به سرکردگی آمریکا حاکمیت می کند. جهانی که به سوی نظامی گری بیشتر می رود که نتیجه آن چیزی به غیر از افزایش تشنج و نا امنی بیشتر برای تمامی بشریت بر روی کره خاکی ما نیست.

ادامه تحولات عراق و مصالح ملی...

از شروع درگیری های خشونت آمیز اخیر، نیروهای سکولار بلا استثنا سهم عمده آراء مردمی را برای کاندیداهای خود جلب کردند. تا قبل از این نیروهای مسلمان به حکم نیروهای اشغالگر کنترل این شوراها را بدست داشتند. مردم این شهرها بر پایه تجربه تلخ حاکمیت اسلام گرایان افراطی در سال گذشته که با تحمیل مجموعه یی از تصمیم های اجتماعی، فرهنگی و سیاسی که هیچ قرابتی با فرهنگ و تاریخ مردم عراق نداشت، روزگارشان سیاه شده بود، در این انتخابات کلاً آراء خود را به نفع نیروهای دموکراتیک و سکولار به صندوق ها ریختند. به عنوان مثال در شهر شترا که جمعیتی حدود ۲۵۰/۰۰۰ نفر دارد، از ۱۵ کرسی شورای شهر کمونیست ها ۴ کرسی و نیروهای دیگر سکولار ۷ کرسی را بدست آوردند. نیروهای اسلامی که قبل از این انتخابات کنترل بلامنازع شورا را بدست داشتند، فقط صاحب ۴ کرسی شدند. و همانگونه که در ۲۵ ساله اخیر در میهن مان شاهد بوده ایم این روندی نیست که ادامه آن مورد علاقه نیروهای انحصار طلبی چون مقتدی الصدر باشد. و بر این زمینه است که می بایست به چاره جویی در قبال اقدامات تحریک آمیز اسلام گرایان «وطني» و همپالگی های عراقی آنان برای متوقف کردن روند سیاسی در عراق پرداخت.

بررسی دقیق زمینه ها و عوامل موثر در ایجاد چنین موجی از خشونت در شهر های جنوبی عراق و برخی مراکز مذهبی شیعیان و نیت آژانس های خبری بی (که در هماهنگی توافق شده با مقامات نیروهای اشغالگر عمل می کنند) از پوشش وسیع و بعضاً اغراق آمیز این درگیری ها نیازمند بررسی جداگانه یی است که در حوصله این نوشته نمی گنجند. اما با کمی دقت می توان به برخی مشخصه های عمده و از جمله اقدامات تحریک آمیز مقام های آمریکایی با هدف دامن زدن به اغتشاش و همچنین نگرانی بالا گیرنده نیروهای تندرو مذهبی و عناصر باقیمانده وابسته به رژیم دیکتاتوری از پیشرفت روند سیاسی شکل گیری دولت گذار از طریق جایگزینی ساختار های دیکتاتوری و اشغال، اشاره کرد. بسیاری از تحلیل گران سیاسی اقدامات نیروهای آمریکایی به بستن روزنامه «الحوزه الناطقه» وابسته به مقتدی الصدر، و دستگیری «مصطفی یعقوبی»، رئیس دفتر او را مورد سوال قرار می دهند، چرا که عمده تاً این اقدامات غیر ضروری سبب گسترش ناامنی شد. سرمقاله روزنامه «تایمز مالی» در روز ۶ آوریل و تحلیل روزنامه «نیویورک تایمز» هر دو غیر عقلایی بودن اقدام تحریک آمیز مقامات آمریکایی را مورد انتقاد قرار می دهند و می نویسند عمل غیر ضروری نیروهای آمریکایی عملاً فرصت لازم را برای نیروهای مذهبی تندرو و از جمله «مقتدی الصدر» و طرفدارانش که نگران ریشه گرفتن روند سیاسی و تدوین قانون اساسی موقت بودند، فراهم کرد. برخورد نیروهای نظامی آمریکایی در فلوجه که با استفاده از هلیکوپتر های توپدار و هواپیما های بمب افکن به قتل عام مردم بی دفاع شهر پرداختند، عملاً به تحریک نیروهای اسلامی و اتحاد باند های اسلامی مسلح فعال در عراق و وسیع تر شدن درگیری ها انجامید. برخی از ناظران محلی به سهولت سوال برانگیز تحویل کنترل نجف و کربلا از سوی نیروهای اشغالگر به طرفداران مقتدی الصدر و متحدان او اشاره می کنند. انتشار تصاویر جنازه های آمریکائی و آلمانی در خیابان های فلوجه و دیگر شهر ها و عملکرد علنی گروه های مسلح عراقی در این مناطق در صفحات

پیام کمیته مرکزی حزب توده ایران به مناسبت هفتادمین سالگرد بنیان گذاری حزب کمونیست عراق

رفقای عزیز

کمیته مرکزی حزب توده ایران به مناسبت هفتادمین سالگرد بنیان گذاری حزب کمونیست عراق تبریکات صمیمانه خود را به همه اعضاء و هواداران حزب برادر، تقدیم می دارد. حزب توده ایران در حساس ترین لحظات تاریخ معاصر عراق، به جشن هفت دهه مبارزه افتخار آمیز و از خود گذشته گی کمونیست های عراقی برای پیشبرد صلح، دموکراسی و عدالت اجتماعی در عراق می پیوندد. ما به پیچیدگی مبارزه اصولی شما برای شکل دادن به پایه های یک جامعه مستقل، دموکراتیک و مرفه در عراقی که در نتیجه سه دهه دیکتاتوری و یک جنگ ناعادلانه و غیر قابل توجیه و در تحت شرایط اشغال خارجی زخم دیده است، آگاهیم. حزب توده ایران از نزدیک مبارزه مردم عراق و نیروهای میهن پرست و دموکراتیک، و به ویژه حزب کمونیست عراق، را دنبال می کند. ما از مبارزه شما برای ایجاد صلح، رفاه، حقوق بشر و دموکراسی در یک عراق یک پارچه، فدرال و صلح آمیز حمایت می کنیم.

رفقای عزیز

ما تعهد حزب خود به روابط برادرانه و عمیق بین دو حزبمان را تصریح می کنیم. پیوند مابین کمونیست های عراقی و ایرانی در صحنه مبارزه مشترک خلق های قهرمان مان برضد امپریالیسم، دیکتاتوری و حکومت های ترور بسته شده است. تحولات پنجاه سال گذشته به روشنی نشان داده اند که سرنوشت میهن ها و خلق های مان به طوری جدایی ناپذیر به هم گره خورده است و هر تحول عمده یی در یکی از دو کشورمان، به طور چشم گیری دیگری را مورد تاثیر قرار می دهد. در طول سال های طولانی مبارزه برضد حکومت ظلم و دیکتاتوری دو رژیم شاه و جمهوری اسلامی، از حمایت و همبستگی شما برخوردار بوده ایم. نیروهای سیاسی ترقی خواه ایرانی از نقشی که حزب کمونیست عراق، از زمان تاسیسش، در همه تحولات کشور تان و در منطقه ایفا کرده، آگاه هستند. حزب توده ایران همیشه مبارزه مردم عراق، و به ویژه حزب کمونیست عراق، را برای دموکراسی، پیشرفت و توسعه صلح آمیز عراق حمایت و ستوده است. وفاداری حزب شما به مبارزه برای صلح و سوسیالیسم، حقوق مردم عراق، حق اقلیت های ملی و دموکراسی و صلح، نمونه درخشانی برای همه آنهایی است که در مبارزه برای سوسیالیسم در مناطق مختلف جهان درگیر هستند.

رفقای عزیز

جشن هفتادمین سالگرد حزب شما در دوره یی بسیار حساس و دشوار برای مردم عراق و منطقه برگزار می شود. یک سال از جنگ غیر قابل توجیه و اشغال کشور شما می گذرد. ما همدوش با دیگر نیروهای ترقی خواه جهان برضد اصرار ائتلاف آمریکایی - انگلیسی برای تحمیل جنگ بر عراق اعتراض کردیم، چرا که ما به خوبی می دانستیم که جنگ ارمغان آورنده هرج و مرج، ترور و خرابی برای مردم منطقه خواهد بود. ائتلاف آمریکایی - انگلیسی، جنگ برضد عراق و اشغال آن را به عنوان وسیله یی برای تضمین سرکردگی خود در منطقه و تحمیل «نظم نوین جهانی» طراحی کرده بودند. ما همچنین طبیعتاً نگران عواقب و نتایج حضور

عملکرد واحدهای نظامی آمریکایی در طول مرزهای میهن مان هستیم. حزب توده ایران آگاه از وضعیت شدیداً حساس در منطقه و اوضاع بغرنج عراق اشغال شده، کوشش های شما را که با هدف ساختمان یک عراق واحد، مستقل، مرفه و دموکراتیک بر ویرانه های باقی مانده از دیکتاتوری، جنگ و ترور انجام می شود، می ستاید. موفقیت در این وظیفه دشوار و بغرنج وابسته به وحدت نیروهای دموکراتیک و مترقی عراق و بسیج همه مردم عراق در حمایت از یک برنامه جایگزین ساختارهای دیکتاتوری و اشغال با ساختارهای یک جامعه مدنی، است. ما از پیچیدگی اوضاع حاکم در عراق و طیف مسایل داخلی، منطقه یی و بین المللی که توسط دشمنان مردم عراق برای عقیم کردن کوشش های شما صورت می گیرد، آگاهیم. اما ما همچنان بر این باوریم که نیروهای مترقی عراق و به ویژه حزب برادر کمونیست عراق، قادر به غلبه بر این توطئه ها می باشند و در راستای وظیفه تاریخی خود، کوشش متحد مردم عراق برای پیروزی صلح، دموکراسی، حاکمیت و رفاه را با موفقیت هدایت خواهند کرد. ما به شما اطمینان می دهیم که در این مبارزه مهم از شما فعالانه و اصولی حمایت می کنیم. ما با شما هم عقیده ایم که در شرایط کنونی حاکم بر عراق، یعنی از زمان جنگ و اشغال تا به امروز، تنها موضع میهن پرستانه، قرار دادن ابتکار عمل در دست مردم عراق و تأمین نقش اساسی و مرکزی تر برای سازمان ملل متحد، همان گونه که در قطعنامه ۱۵۱۱ شورای امنیت سازمان ملل مقرر شده است، می باشد. نقش فعال برای سازمان ملل می تواند شرایط را برای تحقق خواسته های مردم عراق، برای خاتمه اشغال و اعاده حاکمیت کامل ملی، فراهم کند. حزب توده ایران کاملاً از موضع سیاسی شما برای بسیج تمام مردم عراق در یک جبهه متحد در طلب باز سازی دموکراتیک ساختارها و زیر بناها در خدمت منافع مردم عراق، حمایت می کند. بر راستای این تحلیل است که ما با شما در محکوم کردن عملیات تروریستی و تحریک آمیزی که توسط بازمانده های رژیم ساقط، عاملان رژیم های ارتجاعی در منطقه و نیروهای ارتجاعی طراحی و به مورد عمل گذاشته شده است، هم صداییم. این اعمال غیر مسئولانه و تحریک آمیز فقط به طولانی تر کردن اشغال و به خطر انداختن وحدت مردم عراق خواهد انجامید.

رفقای عزیز

ما مایلیم که از این فرصت برای اطمینان دادن به شما به همبستگی استوار حزب توده ایران با حزب کمونیست عراق، تمامی نیروهای میهنی و ترقی خواه عراق و مردم قهرمان کشورتان، در مبارزه برای استقرار صلح، دموکراسی، حقوق بشر، عدالت اجتماعی و حاکمیت کامل عراق استفاده کنیم. ما صمیمانه امیدواریم که پیوندهای همبستگی و همکاری برادرانه بین احزاب مان، خلق هایمان بیشتر توسعه بیابند و قوی تر شوند. موفقیت شما در مبارزه بغرنج تان، نتایج مهم ملی و منطقه یی خواهد داشت. ما آرزو مند توفیق شما هستیم.

پیروز باد حزب کمونیست عراق در مبارزه برای صلح، دموکراسی، عدالت اجتماعی و حاکمیت ملی برای عراق. پاینده باد روابط برادرانه بین حزب توده ایران و حزب کمونیست عراق

زنده باد همبستگی بین المللی
کمیته مرکزی حزب توده ایران
فروردین ۱۳۸۳

ادامه زمین لرزه سیاسی در فرانسه ...

های بزرگ، در نظر دارد تا کلیه خدمات و کمک های اجتماعی را حذف کند و قوانینی را در حمایت از کارفرمایان به تصویب برساند. از جمله این قوانین، قانون استخدام های قرار دادی است. در حال حاضر ۸۰ درصد استخدام ها در فرانسه از طریق قرار دادهای موقت صورت می گیرد. به کارگران زن نیز اکثراً کارهای نیمه وقت و موقت ارجاع می شود. این شرایط به کارفرمایان اجازه می دهد تا بدون هیچ مانع قانونی و بی پرداخت هیچ غرامتی به کارگران، آنها را هرزمانی که بخواهند اخراج کنند. این ها موارد مشخص از تغییرات منفی ای است که دولت نولیبرال فرانسه در طول دو سال حاکمیت بلامنازع خود در کشور برضد منافع زحمتکشان و مردم عادی صورت داده است. در پاسخ به چنین یورش از سوی نیروهای راست مبارزه بی سخت از سوی زحمتکشان علیه دولت در گرفت. در دو سال اخیر اعتصاب ها و تظاهرات همه مناطق کشور را فرا گرفت. و در چنین وضعی بود که مردم فرانسه همانگونه که دو سال پیش یکپارچه علیه «راست افراطی» پیاخته بود، این بار درسی شایسته به آنانی دادند که نتوانستند درک کنند که هدف و منظور آنچه که در ۲۰۰۲ گذشت، چه بود. نتیجه انتخابات اخیر اعتراضی کاملاً هدفمند برضد دولت فرانسه و سیاست های ارتجاعی آن در راستای «جهانی شدن» سرمایه داری بود. رای یکپارچه به «چپ» تبلور اعتراض زحمتکشان به حملات دوساله اخیر به حقوق و دستاوردهای اجتماعی، سیاسی و اقتصادی مردم از طرف بزرگ سرمایه داران مورد حمایت دولت است.

«پیام» های انتخابات

چشم انداز آینده فرانسه پس از این زمین لرزه سیاسی پر از ابهام است. هر چند که حاکمیت راست کنونی به هیچ وجه در صدد عقب نشینی اصولی از برنامه های قلع و قمع گری خویش نیست ولی مطمئناً ناچار خواهد بود که پیام بدون ابهام و روشن مردم فرانسه را به حساب بیاورد. گرچه شیراک حاضر نشد که لااقل برای حفظ آبرو و موقعیت خود، دولت کنونی را برکنار کند و به جای آن نخست وزیر دیگری را برگمارد که آرام تر و پوشیده تر سیاست نولیبرالی کنونی را ادامه دهد، ولیکن نمی توان برخی تغییر مهتره چینی ها در دولت در ماه های آینده را غیر محتمل دانست. و کلام آخر آنکه «ائتلاف چپ» که چنین پیروزی قاطعی را بدست آورد، تا چه اندازه می تواند از حوادث این دوساله درس بگیرد و با تقویت پیوندهای تاریخی خود با طبقه کارگر و زحمتکشان فرانسه، در جهت باز پس گیری کنترل دولت و رهبری سیاسی کشور حرکتی هدفمند را سازمان دهد. بر رغم برخی نارسائی ها و عدم موفقیت برخی تجربیات مشخص «حزب سوسیالیست فرانسه» در عرصه قدرت در دو دهه گذشته، نیروهای مردمی فرانسه و به خصوص اتحادیه های کارگری بر این باورند که «چپ» ظرفیت راه گشایی در مسیر یک دگرگونی ترقیخواهانه را دارد.

چرا ناتو را به سمت شرق گسترش می دهند؟

هفت کشور اروپای مرکزی و شرقی، روز دوشنبه اول آوریل ۲۰۰۴، به عضویت کامل پیمان آتلانتیک شمالی، «ناتو»، در آمدند. این بزرگترین گسترش ناتو به سمت اروپای شرقی پس از پایه گذاری آن در سال ۱۹۴۹ بود. با پیوستن این هفت کشور، تعداد اعضای ناتو از ۱۹ به ۲۶ عضو افزایش یافت. پس از عضویت کشورهای لهستان، جمهوری چک و مجارستان در سال ۱۹۹۹، این بار نه تنها تقریباً تمامی کشورهای اروپای شرقی به جرگه کشورهای عضو ناتو پیوستند، بلکه سه کشور از جمهوری های سابق اتحاد شوروی، لتونی، لیتوانی و استونی نیز به عضویت ناتو در آمده اند. آنچه که اعتراض جدی روسیه را به دنبال داشت. مجلس روسیه، «دوما»، این حرکت را تهدیدی برای روسیه خواند و به کشورهای عضو ناتو اخطار کرد که اگر ناتو شرایطی را فراهم بیاورد که توازن نیروها در منطقه به هم بخورد، روسیه ممکن است در قرار داد سال ۱۹۹۹، که حضور نیروهای روسی در غرب منطقه بالتیک به ویژه در کالینگراد و شمال غربی پсковف را محدود می کند، تجدید نظر به عمل آورد. در همین مورد وزیر دفاع روسیه، سرگنی ایوانف، اعلام کرد که روسیه همچنان به همکاری های خود با ناتو ادامه خواهد داد، به شرطی که تهدیدی برضد این کشور وجود نداشته باشد، اما در صورت احساس هرگونه خطری، روسیه در مورد آن خیلی صریح موضع گیری خواهد کرد. پیمان تجاوزگر آتلانتیک شمالی، «ناتو»، در پایان جنگ جهانی دوم و در شروع جنگ سرد پایه گذاری شد در حالیکه پیمان دفاعی ورشو از سوی کشورهای سوسیالیستی، به مثابه عامل موازنه در مقابل ماشین نظامی کشورهای امپریالیستی، ایجاد شد. به باور بسیاری، تصور می رفت که پس از فروپاشی کشورهای سوسیالیستی و بر چیده شدن پیمان ورشو، دلیل وجودی پیمان ناتو نیز از بین رفته است. اما ناتو به بقای خود همچنان ادامه داد و حیطه عمل خود را گسترش داد تا کشورهای سرمایه داری بتوانند اهداف اصلی خود را در غیاب نیروی باز دارنده قدرت مند چون پیمان ورشو، هرچه خشن تر ادامه دهند. این اهداف چیزی به غیر از سرکوب خشن نیروهای مخالف و غارت کشورهای در حال رشد توسط انحصارهای چندملیتی امپریالیستی نیست. کشورهای سابق عضو پیمان ورشو، که در حال حاضر دولت های دست راستی در

آنها به قدرت رسیده و احساس خطر می کنند که به مثابه کشورهای سابقاً سوسیالیستی مورد تهدید هستند و بر خلاف گذشته که پیمان ورشو به عنوان سازمان دفاع کننده از آنها در برابر تهدیدات ناتو بود، قدرت دیگری برای محافظت آنها وجود ندارد و بهتر است برای گریز از خطرات «نظم نوین جهانی» و در ضمن کسب برخی امتیازها، تحت حمایت ناتو قرار گیرند.

گسترش محدوده عملیاتی ناتو به سمت شرق، منافع استراتژیک و جدی درازمدتی را برای کشورهای عمده سرمایه داری جهان و انحصارات فراملی به همراه دارد. مردم کشورهای جدیداً به ناتو پیوسته، برای دهه ها سیستم سوسیالیستی را تجربه کرده اند که در آن به رغم کاستی ها و نارسایی ها، از بیکاری، فقر، فساد، فحشا و نابسامانی کنونی خبری نبود، نابسامانی فزاینده ای که زندگی اکثریت مردم را به خاطر منافع تعداد انگشت شماری نوکیسه، دچار ناامنی و بی ثباتی کرده است. تحلیل گران سیاسی جدی امکان به قدرت رسیدن دوباره نیروهای مترقی و مردمی در این کشورها را در صورتی که ساختارهای سرکوب و فشار در آن ها توسعه نیابد مطرح کرده اند. علاوه بر این در اکثر کشورهای سابقاً سوسیالیستی، احزاب چپ هنوز از قدرت نسبی بالایی برخوردار هستند و در انتخابات این کشورها جدی ترین رقیب نیروهای حاکم می باشند. این احزاب بر رغم برخی تغییرات اساسی در نظرگاه های ایدئولوژیک هنوز هم از طریق حفظ پیوندهای خود با اتحادیه های کارگری و ساختارهای مردمی، بخشی از پایگاه توده ای خود را حفظ کرده و از نظر سازمان دهی نیز متشکل تر از بقیه نیروها عمل می کنند. نیروهای چپ در برخی از کشورهای سوسیالیستی سابق و از جمله جمهوری چک و لهستان به مثابه آلترناتیوهای جدی برای تشکیل دولت مطرح هستند و در پارلمان های این کشورها صاحب تعداد قابل ملاحظه ای نماینده هستند. این امری نیست که مورد خوشایند کشورهای امپریالیستی باشد و از اینرو است که گسترش ناتو به سمت شرق، می تواند تهدیدی جدی برای نیروهای مترقی کشورهای اروپای شرقی باشد.

از سوی دیگر کشورهای اروپای شرقی با توجه به سابقه عضویت در پیمان ورشو از توانایی های نظامی قابل توجهی برخوردار هستند که به راحتی و با هزینه

جدید، توانست در مجلس نیز اکثریت قاطع را بدست آورد. با روی کار آمدن یک دولت کاملاً راست، اجرای سیاست های نولیبرالی در تمام زمینه ها آغاز شد. تمام دست آورد های اجتماعی زحمتکشان و خلق فرانسه مورد یورش بی رحمانه قرار گرفت، در حالیکه مالیات سرمایه های بزرگ کاهش یافت.

«هدیه» راست برای زحمتکشان

کارنامه سیاسی دولت مورد اعتراض وسیع کارگران و زحمتکشان بوده است. آمار رسمی بیکاری فرانسه در حال حاضر بیش از ۱۰ درصد است. کارنامه عمل ۲ ساله دولت «رافرین»، نمایشگر عقب گردهای اجتماعی در رابطه با حقوق بازنشستگی، کاهش خدمات درمانی و بیمه همگانی، کاهش بودجه تحقیقاتی و آموزش و پرورش بوده است. در این دو سال، تغییرات جدی در سیستم بازنشستگی با هدف کاهش حقوق بازنشستگی و همچنین سیستم بیمه های درمانی صورت گرفته است. همچنین در قانون کار فرانسه تغییرات جدی برای تامین منافع کارفرماها و برضد حقوق کارگران صورت گرفته که باعث از بین رفتن امنیت کاری و اجتماعی شده است. مصوبات دولت عملاً شرایط «حمایت قانونی» از کارفرماها را برضد کارگران و زحمتکشان فراهم کرده است. دولت «رافرین» به شیوه خشنی منافع زحمتکشان را پایمال کرده و به طور رسمی اعلام می کند که احترامی برای منافع مردم عادی قایل نیست. تا جایی که وزیر اقتصاد کشور، «فرانسیس مر»، می گوید: «آنهايي که در آمد بالا دارند از لیاقت بیشتری برخوردارند. آنها برای جامعه بیشتر از کم درآمدها ارزش ایجاد می کنند.» (تلویزیون فرانسه، ۱۵ سپتامبر ۲۰۰۳) در تعقیب چنین سیاستی، در سال ۲۰۰۲ دولت دست راستی سیاست مالیاتی جدیدی را به تصویب رساند که به موجب آن بیش از دوسوم بخشودگی های مالیاتی نصیب ۱۰ درصد ثروتمندترین قشر اجتماعی فرانسه شد. دولت «رافاران» آنگاه برای جبران کسری جدی در بودجه که نتیجه این سیاست غیرمسئولانه مالیاتی بود، کمک هزینه به مادران را که در برگیرنده ۴۰ هزار نفر از کم درآمدترین شهروندان فرانسه می شد، حذف کرد.

در حال حاضر به دلیل گسترش بیکاری و حذف کمک های دولتی به افراد کم درآمد، بیش از یک ششم کودکان فرانسوی در زیر خط فقر زندگی می کنند. در کنار این فشارها به مردم، دولت فرانسه در هماهنگی با سایر کشورهای اروپایی و رعایت نسخه های تجویز شده از سوی نهاد های مالی سرمایه داری جهان، (بانک جهانی، صندوق بین المللی پول و سازمان تجارت جهانی)، و صاحبان سرمایه

زمین لوزه سیاسی در فرانسه

«چپ» کنترل ۹۰ درصد کشور را بدست می گیرد!

روز یکشنبه ۹ فروردین ماه دومین دور انتخابات «شوراهای منطقه بی» و «شوراهای محلی» فرانسه برگزار گردید. گرچه از یک هفته پیش از آن که نخستین دور انتخابات انجام شد، معلوم بود که «اتلاف چپ» دست بالا را خواهد داشت ولی با اینهمه اعلام نتایج دور دوم شگفت انگیز بود. از ۲۲ منطقه در کل فرانسه، «اتلاف چپ» (مشمول از حزب سوسیالیست، حزب کمونیست، سبزها و رادیکال های چپ) در ۲۰ منطقه (تقریباً سراسر فرانسه) پیروز شدند. نیروهای راست فقط در یک منطقه «آنراس» که روحیه نژادپرستانه در آنجا نیرومند است، اکثریت را بدست آوردند. در جزیره «کورس» (زادگاه ناپلئون) بر رغم اینکه نیروهای چپ اکثریت آراء را به خود اختصاص دادند، بدلیل اختلافات بین رهبران محلی، نیروهای راست توانستند با حداقل آرا کنترل استانداری را از آن خود کنند. در مجموع چنین نتایج انتخاباتی در تاریخ فرانسه کاملاً بیسابقه بوده است. تاکنون اکثریت «شوراهای منطقه ای» در انحصار نیروهای راست بوده است و بطور مثال تا قبل از انتخابات اخیر، «چپ ها» فقط در ۸ منطقه اکثریت داشتند و ۱۴ منطقه دیگر در انحصار احزاب راست بود.

برای پی بردن به علت چنین دگرگونی چشم گیری و برخی درس گیری های ضرور باید دو سال به عقب بازگشت. در آوریل سال ۲۰۰۲ در دور اول انتخابات ریاست جمهوری بر خلاف انتظار همگان ژان ماری لوپن، رهبر حزب نژادپرست و راست افراطی «جبهه ملی»، با ۱۷ درصد آرا به همراه ژاک شیراک، رئیس جمهور وقت که حدود ۱۹ درصد آرا را کسب کرده بود، به دور دوم انتخابات رسید. این نتایج که عمدتاً بدلیل تقسیم آرای نیروهای چپ ممکن شده بود، برای همگان شوکی عظیم و اعلام خطری جدی برای مردم فرانسه بود. از همان لحظه اعلام نتیجه انتخابات، شبانه مردم و به ویژه جوانان به خیابان ها ریختند. تظاهرات، همایش ها و ... تا دور دوم انتخابات (ماه مه) لحظه بی قطع نشد. روز اول ماه مه میلیون ها نفر در سراسر فرانسه در صفوفی متحد و با شعارهای ضد فاشیستی به خیابان ها آمدند و بزرگترین نمایش اول ماه مه تاریخ معاصر کشور را برگزار کردند. در یک قیام توده ای، فرانسه مترقی و دموکرات یکپارچه پیا خاست. در نتیجه ژاک شیراک نه بخاطر شخصیت سیاسی خویش، بلکه به عنوان تنها کاندید ممکن برای سد کردن انتخاب کاندیدای نیروهای فاشیست، و رهبر نژادپرست و منفور آن ها، «ژان ماری لوپن»، با هشتاد درصد آرا برای بار دوم به ریاست جمهوری انتخاب شد. اگر توجه کنیم که در تمام کشورهای سرمایه داری نتیجه انتخابات میان برنده و بازنده در حول و حوش ۵۰ درصد دور می زند، معلوم می شود که رقم هشتاد درصد آرا نشانگر عزم راسخ ملت فرانسه برای حفظ و حراست سنت های آزادیخواهانه و برای دادن پاسخی روشن و قاطع به فاشیسم و فاشیست ها بود. در پی این انتخابات، رئیس جمهور شیراک درصددبر آمد که حداکثر بهره برداری را از وضعیت ایجاد شده بنماید. در شرایطی که ژوسپن، نخست وزیر سوسیالیست، به دلیل شکست در دور اول انتخابات از سمت خود کناره گیری کرده بود، شیراک با انحلال مجلس و انجام انتخابات پارلمانی

ادامه در صفحه ۷

لطفاً در مکاتبات خود با آدرس های زیر، از ذکر هر گونه نام اضافی خودداری کنید.

1-Postfach 100644, 10566 Berlin, Germany
2- B.M. Box 1686, London WC1N 3XX, UK
3. <http://www.tudehpartyiran.org>

Nameh Mardom-NO 684
Central Organ of the Tudeh Party of Iran

12 April 2004

شماره فاکس و
تلفن پیام گیر ما
۰۰ - ۴۹ - ۳۰ - ۳۲۴۱۶۲۷

حساب بانکی ما:

IRAN e.V. نام
790020580 شماره حساب
10050000 کد بانک
Berliner Sparkasse بانک